



درس فراج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ اسفند ۱۴۰۲

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

مصادف با: ۲۵ شعبان ۱۴۴۵

موضوع جزئی: موضوع شناسی: ۱. پول - پول مال حقیقی است یا اعتباری؟ سخن برخی از فضلا و بررسی آن -

نتیجه

جلسه: ۳۲

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

بحث در این بود که آیا پول مال حقیقی است یا اعتباری؛ بعد از فراغ از اینکه پول‌های امروزی کالا محسوب نمی‌شوند و مال هستند، سند مال هم به حساب نمی‌آیند، اکنون بحث در این است که آیا مال حقیقی هستند یا مال اعتباری. به تبع بحث از حقیقی بودن یا اعتباری بودن پول، این بحث مطرح می‌شود که آیا مالیت پول حقیقی است یا اعتباری. عرض کردیم اغلب کسانی که پول را مال دانسته‌اند معتقدند پول مال حقیقی است و مالیت آن را هم حقیقی می‌دانند.

سخن برخی از فضلا

این مبتنی بر یک فرض و مسأله‌ای است که محل اشکال است. بعضی از فضلا گفته‌اند که پول، مال اعتباری نیست بلکه مال حقیقی است؛ و مالیت را اینگونه معنا کرده‌اند: رغبتی که عقلا نسبت به یک شیء دارند و برای بدست آوردن آن از خودشان شوق نشان می‌دهند؛ یعنی رغبت عقلایی به سوی یک چیز را مساوق مفهوم مالیت دانسته‌اند. با توجه به اینکه این رغبت یک امر واقعی است و ناشی از یک خصوصیتی است که در شیء وجود دارد، معتقدند مالیت اشیاء امری حقیقی است. در مورد پول‌های امروزی هم می‌گویند درست است که دولت‌ها یا نهادهایی به این پول‌ها اعتبار بخشیده‌اند و اگر آن پشتوانه نبود، اینها مالیت پیدا نمی‌کردند؛ اما اعتبار دولت یا نهادهای اعتبارکننده حیثیت تعلیلیه دارد، یعنی به علت چنین اعتباری مورد رغبت عقلا قرار گرفته و مالیت پیدا کرده است. هم برای اعتبار معتبر نقش قائل شده‌اند و هم مالیت را یک امر حقیقی می‌دانند و پول و اسکناس را مال حقیقی محسوب می‌کنند. چرا می‌گویند پول مال حقیقی است یا مالیت یک امر حقیقی است؟ به خاطر اینکه عقلا نسبت به آن رغبت دارند و مالیت را مساوی این رغبت می‌دانند؛ لذا می‌گویند یک امر حقیقی است. در عین حال معتقدند اعتبار هم باید باشد و بدون اعتبار مالیت ندارند، اما حیثیت تعلیلیه دارد و نه تقییدیه؛ اگر حیثیت تقییدیه داشت، نمی‌توانستند بگویند این یک امر حقیقی است؛ چون جزئی از حقیقت این مال می‌شد. اما می‌گویند حیثیت تعلیلیه دارد، یعنی علت رغبت، اعتبار معتبر است؛ آن باعث می‌شود که رغبت پیدا شود. ولی مالیت عبارت از همین رغبت است، لذا یک امر حقیقی می‌شود. آنگاه این پول‌ها را به کوین تشبیه می‌کنند؛ اوایل انقلاب و در زمان جنگ اوراق کوچکی بود که براساس آن یک سهمیه‌ای از کالاهای اساسی برای هر نفر قرار داده بودند؛ هرکسی این کوین‌ها را به مغازه می‌برد، شکر، قند، روغن و برنج را با قیمت ارزان‌تر به او می‌دادند؛ به همین دلیل خود کوین‌ها هم خرید و فروش می‌شد؛ چون این در حقیقت معادل یک مقدار معینی از اجناس با قیمت ارزان‌تر بود. می‌گویند این کوین‌ها مالیت داشت و لذا خرید و فروش می‌شد، رغبت به سوی آن دیده می‌شد؛

اما سبب این رغبت همان قرار دولت بود، همان اعتباری که دولت برای این کوبین‌ها و ارزان‌تر تهیه کردن اجناس به واسطه این کوبین‌ها قرار داده بود. لذا مالیت پیدا کرده بودند؛ مالیت آن هم ناشی از آن قرار و اعتبار دولت بود. بعضی از بزرگان هم به خاطر همین آن را متعلق خمس می‌دانستند و می‌گفتند چون رغبت به سوی آن وجود دارد، مالیت حقیقی دارد و به همین دلیل متعلق خمس است؛ البته خود کوبین و نه اجناسی که به واسطه آن تهیه می‌کردند. به هر حال این مطلبی است که بعضی از بزرگان گفته‌اند و به تبع او بعضی از فضلا^۱.

بررسی

اما اشکالات اساسی متوجه این مطلب است؛ چند اشکال اینجا وجود دارد که بخشی از آنها با توجه به مطالبی که ما در جلسه ذکر کردیم، واضح و روشن می‌شود.

اشکال اول

ایشان گمان کرده اگر چیزی مورد رغبت عقلا باشد و نیز از آنجا که رغبت عقلا مساوی با مفهوم مالیت است، پس مالیت لزوماً یک امر واقعی است در حالی که این صحیح نیست. اگر به خاطر داشته باشید در تعریف مال چند نظر را ذکر کردیم. نظری که پذیرفتیم و مقتضای تحقیق بود، همان نظری است که امام(ره) در مورد مال ذکر کردند؛ دو ویژگی برای مال بیان فرمودند: ۱. اینکه مورد رغبت عقلا باشد؛ ۲. اینکه به ازاء آن ثمن پرداخت شود. یکی از تعریف‌هایی که در گذشته برای مال ذکر کردیم و مبنای استنتاج حقیقی بودن یا اعتباری بودن از نظر برخی واقع شد، این بود که «المال ماییدل بازائه المال»، یک عده هم گفته‌اند «ما یکون مورداً لرغبة العقلاء»؛ هر دو اینها محل اشکال است. غیر از اشکال دور که در تعریف اول است، اشکالات دیگری هم وجود دارد. حق در تعریف مال این است که مال آن چیزی است که عقلا به سوی آن رغبت دارند و حاضر هستند به ازاء آن ثمن بپردازند. وجه ترجیح این تعریف را بر سایر تعاریف در گذشته بیان کردیم.

بنابراین اگر چیزی مورد رغبت عقلا بود، لزوماً به معنای حقیقی بودن و واقعی و تکوینی بودن آن نیست. ایشان گمان کرده همین که رغبت عقلا به سوی چیزی باشد، این امر حقیقی می‌شود؛ در حالی که اگر ما مال را با این ویژگی شناختیم، رغبت هم می‌تواند به دلیل خصوصیت ذات آن شیء باشد و هم می‌تواند ناشی از اعتبار باشد. اگر گفتیم رغبت مثلاً در خوراکیات مثل گندم و جو و برنج به خاطر خصوصیتی است که در خود گندم و جو و برنج است، این هیچ ربطی به اعتبار ندارد. در خود این شیء خصوصیتی وجود دارد که باعث می‌شود رغبت به آن پیدا شود؛ مثلاً گرسنگی را برطرف می‌کند؛ ممکن است رغبت به یک پوشاک باشد که او را از سرما حفظ کند. لذا در خود اشیاء گاهی خصوصیتی وجود دارد که موجب این رغبت می‌شود. اما گاهی رغبت به خاطر اعتبار معتبر است؛ علت آن می‌شود اعتبار. لزوماً رغبت به خاطر ذات شیء نیست؛ اگر مثلاً همین کاغذها و همین اسکناس‌ها و همین اعداد و ارقام توسط یک دولت دارای ارزش مبادله‌ای شود، عقلا به آن رغبت پیدا می‌کنند. همین که از اعتبار ساقط شود و دیگر آن ارزش مبادله‌ای را نداشته باشد، دیگر رغبتی به سوی آن نیست. پس رغبت به اشیاء به خاطر یک خصوصیت و منفعتی در ذات آن شیء نیست؛ بلکه این رغبت می‌تواند ناشی از یک اعتبار باشد.

اشکال دوم

۱. فقه بول، ص ۳۱.

مالیت مساوی با رغبت عقلا نیست بلکه اساساً یک عنوان انتزاعی است، نه حقیقی و نه اعتباری. مال عبارت از ذات شیء است؛ مالیت یک وصف است؛ وقتی انسان با چیزی مواجه می‌شود که عقلا به آن رغبت دارند، وصف مالیت را انتزاع می‌کند. پس مالیت یک وصف انتزاعی می‌شود. اگر ما گفتیم مالیت عبارت از رغبتی است که عقلا به یک شیء نشان می‌دهند، این یک امر حقیقی است؛ ولی واقع مسأله چیز دیگری است. ذهن انسان از اینکه می‌بیند عقلا به چیزی رغبت نشان می‌دهند، وصف مالیت را انتزاع می‌کند. این رغبت تارۀ به خاطر خصوصیتی است که در آن شیء است و اخری به واسطه اعتبار. پس مالیت را یک امر حقیقی قلمداد کردن، غلط است. حتی اگر وصف مالیت را اعتباری بدانیم، نادرست است؛ مالیت با مال فرق می‌کند؛ مالیت یک وصفی است انتزاعی که از رغبت عقلا به یک شیء انتزاع می‌شود. حالا این رغبت ممکن است به خاطر ارزش مصرفی و استعمالی آن شیء باشد یا به خاطر ارزش مبادله‌ای. پس مالیت یک وصف حقیقی نیست.

اشکال سوم

ما باید ببینیم مال به چه معناست و مالیت به چه معناست. در جلسه گذشته ذکر کردیم به طور کلی پول با سایر کالاها فرق می‌کند. سایر کالاها ارزش مصرفی و استعمالی دارند؛ علی‌اختلاف المراتب. گاهی برخی کالاها ارزش مبادله‌ای هم پیدا می‌کنند، همانطور که در گذشته این اتفاق افتاد؛ در گذشته بعضی از کالاها ارزش مبادله‌ای پیدا کردند. همه کالا اینطور نبودند؛ اما آن ارزش استعمالی و مصرفی یک ویژگی مقوم کالاها محسوب می‌شود. اگر ارزش مبادله‌ای هم به آن ضمیمه شود، کارکرد پول را پیدا می‌کند؛ مثلاً نمک، صدف و پوست برخی از حیوانات در گذشته اینطور بودند که هم ارزش مصرفی داشتند و هم ارزش مبادله‌ای. اما پول‌های امروزی هیچ ارزش مصرفی و استعمالی ندارد؛ تماماً ارزش آنها مبادله‌ای است. این به خوبی نشان می‌دهد که اعتبار صرفاً حیثیت تعلیلیه ندارند؛ اگر هم داشته باشد، آن چیزی که موجب می‌شود ما یک چیزی را مال بدانیم، تنها همین اعتبار است. اگر ما گفتیم همین حیثیت تعلیلیه خودش پول و مقوم پول بودن است، همین اعتبار باعث می‌شود که ما این شیء را دارای ارزش بدانیم، نتیجه‌اش می‌شود رغبت عقلایی، آن رغبت به دلیل این اعتبار پدید می‌آید. اگر ما گفتیم مال عبارت است از چیزی که عقلا به آن رغبت دارند و حاضر هستند در برابر آن چیزی را بپردازند، این رغبت از کجا پیدا شده است؟ با اعتبار؛ اعتبار در واقع همه هویت این مال است، همه هویت این پول است.

پس اینکه ما بگوییم اعتبار حیثیت تعلیلیه دارد و به واسطه همین مورد رغبت عقلا قرار گرفته و بعد نتیجه بگیریم این امر حقیقی است، این قابل قبول نیست.

نتیجه بحث تا اینجا این است که مالیت یک وصف حقیقی نیست، یک وصف اعتباری هم محسوب نمی‌شود بلکه یک وصف انتزاعی است. این وصف انتزاعی هم در مورد اموال حقیقی و هم در مورد اموال اعتباری صادق است. یعنی اگر یک مالی حقیقی باشد، باز مالیت به عنوان یک وصف انتزاعی شناخته می‌شود. اگر یک مالی اعتباری باشد، باز مالیت به عنوان یک وصف انتزاعی شناخته می‌شود.

نتیجه

با توجه به مطالبی که تا اینجا عرض کردیم، معلوم می‌شود پول‌های امروزی اعم از اسکناس‌های کاغذی و پول‌های الکترونیکی و این اعداد و ارقام، مال اعتباری محسوب می‌شوند. تعجب است از بسیاری از کسانی که پول را مال می‌دانند اما آن را مال حقیقی محسوب می‌کنند. البته لایبعد آن يقال که اکثر کسانی که به مسأله پول پرداخته‌اند و بحث کرده‌اند که آیا پول

مال حقیقی است یا اعتباری، عمدتاً نظرشان به اسکناس‌های کاغذی است که پشتوانه‌ای به نام طلا و نقره داشته‌اند. اکثر نظریاتی که پیرامون پول، آن هم اسکناس کاغذی اظهار کرده‌اند، مثل مرحوم آقای حاج سید ابوالحسن اصفهانی، امام، مرحوم آقای خویی و دیگران، اینها عمدتاً بر این اساس بوده که اسکناس‌های کاغذی دارای پشتوانه طلا و نقره هستند و این کاغذها یک مقدار مشخصی از طلا و نقره را نمایندگی می‌کنند. اگر ما پول را از آن منظر و زاویه نگاه کنیم، بعید نیست ملتزم شویم به اینکه پول یا اسکناس کاغذی مال حقیقی است؛ اما با توجه به قطع ارتباط پول و اسکناس کاغذی با پشتوانه‌های مشخص مثل طلا و نقره، خیلی مشکل است بتوانیم ملتزم شویم که پول یک مال حقیقی است. یعنی همین کاغذهایی که روی آن اعدادی نوشته شده یا خود همین اعداد و ارقامی که در فضای دیجیتال رد و بدل می‌شود، این را بگوییم مال حقیقی است، این مسلماً وابسته به اعتبار است؛ اعتبار معتبر اینها را دارای ارزش کرده است. طبیعتاً مهم‌ترین معتبر، دولت‌ها هستند؛ یعنی الان بانک‌های مرکزی در همه کشورها به عنوان اعتبار دهنده این پول‌ها و کاغذها و اسکناس‌های کاغذی محسوب می‌شوند؛ اما در رمز ارز همانطور که سال گذشته بحث داشتیم، معلوم شد که اعتبارکننده در آنجا دولت‌ها نیستند؛ حالا یا فردی یا افرادی یا نهادها و سازمان‌هایی با یک سازوکاری شده‌اند اعتبار دهنده آن پول خاص؛ حالا شاید رمز ارز بگوییم گویاتر باشد.

به هر حال پای یک معتبر در میان است. البته این معتبر باید مستظهر به یک پشتوانه و عقبه‌ای باشد؛ اگر قرار این بود که هر کسی بتواند اعتبار کند، این این هرج و مرج می‌شود؛ حتماً باید پشتوانه داشته باشند. حالا این پشتوانه‌ها چگونه ایجاد می‌شود؟ دولت‌ها امروزه این پشتوانه‌ها را با یک اموری بدست می‌آورند و دارند؛ مجموعه‌ای از عوامل مادی و معنوی دست به دست هم می‌دهد که یک پولی ارزش پیدا کند و ارزش آن بالا برود یا پایین برود. اما اینها هیچ منافاتی با اعتبار ندارد؛ اساس پول‌های امروزی و اسکناس‌ها، اعتبار است. آنچه که ما در بحث جلسه گذشته اشاره کردیم، مؤید این معناست و اساساً شاید دلیل بر همین ادعا هم باشد که پول یک ویژگی اصلی دارد و آن هم ارزش مبادله‌ای آن است. سه کارکرد را برای پول گفتیم؛ واسطه در مبادله، معیار سنجش و ذخیره ارزش؛ پول این سه خصوصیت را دارد. در گذشته که برخی کالاها به عنوان پول شناخته شدند، این سه کارکرد را بر عهده داشتند؛ اگر نمک یک روزی پول شده بود، هم واسطه مبادله بود و هم معیار سنجش و هم ذخیره ارزش؛ اما با این حال خودش یک ارزش مصرفی و استعمالی هم داشت. در پول به هیچ وجه ارزش مصرفی و استعمالی مطرح نیست؛ لذا می‌تواند هم یک چیزی باشد که دارای ارزش مصرفی است و هم یک چیزی باشد که هیچ ارزش مصرفی ندارد. اگر این اسکناس‌ها و پول‌ها و این اعداد و ارقام هیچ ارزش مصرفی ندارند، یعنی هیچ خصوصیت و منفعتی در خود آنها وجود ندارد، این کاغذها نه باعث سیری هستند، خود این اعداد و ارقام نه باعث گرم شدن هستند و نه باعث رفع تشنگی هستند، هیچ کدام اینها نیست، هیچ ارزشی مصرفی ندارند، هیچ خاصیت و منفعتی در خود اینها وجود ندارد. اگر هیچ خاصیت و منفعتی ندارند، پس چرا عقلاً به اینها رغبت دارند؟ این رغبت چرا پیدا شده است؟ برای اینکه اعتبار شده با اینها بتوانند آن نیازها را برطرف کنند؛ پس همه چیزش به اعتبار بستگی دارد. بهترین دلیل و شاهد بر اینکه این پول‌ها مال اعتباری هستند همین است؛ اگر بخواهند مال حقیقی باشند، باید برای خود آنها یک خاصیت و منفعتی تصویر شود، که به واسطه آن خاصیت و منفعت، رغبتی به سوی آن شکل بگیرد؛ اینها هیچ خاصیت و منفعتی ندارند جز همان اعتباری که نهاد اعتبارکننده برای آنها مقرر کرده که با آن بتوانند نیازهای خودشان را تأمین کنند. اگر فردا نهاد اعتبارکننده بگوید از امروز اینها از اعتبار

ساقط شده، این کاغذها فایده‌ای دارند؟ نهایتاً یک آتش می‌توان با آن روشن کرد، که البته اسم این را هم نمی‌توان منفعت گذاشت؛ اگر هم منفعت باشد، یک منفعت بسیار ناچیز کالعدم است.

بنابراین بدون تردید پول‌های امروزی مال اعتباری هستند و مالیت هم یک وصف انتزاعی است؛ ما نباید مالیت را متصف به وصف حقیقی بودن و اعتباری بودن کنیم؛ اینها هم مال هستند، منتهی مال اعتباری و نه مال حقیقی؛ چون عرض کردم که مال حقیقی چه ویژگی‌ای دارد؛ مال حقیقی آن است که در خودش یک خاصیت و اعتباری وجود داشته باشد؛ مال واقعی، حقیقی و تکوینی. بله، مال آن چیزی است که عقلاً به آن رغبت دارند، اما این اعم از حقیقی و اعتباری است. اگر رغبت به خاطر خصوصیت و منفعت خود آن شیء باشد، می‌شود حقیقی؛ اگر رغبت ناشی از اعتبار باشد، می‌شود مال اعتباری. اینجا هم این رغبت به دلیل اعتبار محقق شده است.

چون جلسه آخر بود من بحث را خیلی فشرده کردم. هنوز بحث‌های مقدماتی زیادی در مورد پول باقی مانده، تا برسیم به اصل مسأله که آیا کاهش ارزش پول موجب ضمان هست یا نه. یک بحثی که باید داشته باشیم، این است که پول‌های امروزی مثلی هستند یا قیمی؛ این بحث مهمی است. در مورد خود پول بحث‌های دیگری باقی مانده است؛ اینها یکی از بحث‌های اصلی ماست. راجع به تورم یک مقداری باید بحث کنیم. واقعاً بدون مقدمات نمی‌شود؛ چون اصل مبتنی بر یک پیش‌فرض‌هایی است که باید تکلیف آن معلوم شود؛ بدون اینها نمی‌توانیم به آن نتیجه برسیم.

«والحمد لله رب العالمین»